

## چندصدایی در اشعار علی باباچاهی و رضا براهنی در تطبیق با تشبیه در هنرهای تجسمی معاصر

### چکیده

بخش عمده‌ای از مؤلفه‌ها و شاخصه‌های شعر دهه هفتاد معطوف به نظریه‌های پست‌مدرنیستی است که از پرکاربردترین آن‌ها می‌توان به چندصدایی اشاره کرد. در این پژوهش توصیفی-تحلیلی، ضمن تعریف و تبیین چندصدایی به مثابه یک شاخصه پست‌مدرنیستی، جلوه‌های چندصدایی در شعر دو تن از شاعران برجسته دهه هفتاد، یعنی علی باباچاهی و رضا براهنی واکاوی و تحلیل شده است. همچنین به تطبیق این مقوله با تشبیه در هنرهای تجسمی معاصر پرداخته شده است. بنابر نتایج پژوهش، چندصدایی به شیوه‌های مختلفی در شعر براهنی و باباچاهی بروز می‌یابد؛ گاه با استفاده از وزن و موسیقی شعر، زمینه چندصدایی فراهم می‌شود. تمایزات زبانی، تفاوت لحن و بیان رسمی یا محاوره‌ای از دیگر شگردهایی است که چندصدایی را سامان می‌دهد. بخش دیگری از اشعار چندصدایی در ساحت نگارش افشانشی صورت می‌بندد. مجنون‌نویسی و حضور شخصیت شیروفرنیک بستر دیگری برای شعر چندصدایی است. باباچاهی و براهنی با به‌کارگیری این تمهیدات، زمینه را برای حضور و بروز صداها و مختلف در شعر خویش فراهم می‌کنند. بخشی از این رویکرد، مصداق مکالمه با سنت ادبی است و بخشی دیگر، توجه به شخصیت‌ها و معناهای نادیده گرفته شده را در نظر دارد. در بستر این رویکرد، علاوه بر آواهای متنی که غالباً در رابطه بینامتنی صورت می‌بندد، صدای شخصیت تیمارستانی نیز به گوش می‌رسد. چندصدایی در شعر باباچاهی و براهنی همچنان که به تعدد آوایی و تکثر نگرش و نگارش و گریز از استبداد تک‌گویی منجر می‌شود، به واسطه ماهیت اختلالی‌اش، گسست‌روایی، نفی محور عمودی و وحدت موضوعی را به دنبال دارد. از سوی دیگر، در هنرهای تجسمی معاصر نیز نمودهای واضحی از کاربست تشبیه به چشم می‌خورد.

### اهداف پژوهش:

۱. بررسی و تحلیل شیوه‌های اجرای چندصدایی در شعر باباچاهی و براهنی.
۲. بررسی تشبیه در هنرهای تجسمی معاصر.

### سؤالات پژوهش:

۱. چندصدایی در شعر باباچاهی و براهنی با چه سازوکارهایی سامان می‌یابد؟
۲. تشبیه چه جایگاهی در هنرهای تجسمی معاصر دارد؟

**کلیدواژه‌ها:** مکتب ادبی پست‌مدرنیسم، چندصدایی، شعر دهه هفتاد، علی باباچاهی، رضا براهنی.

## مقدمه

از اواخر دهه شصت جریان تازه‌ای در شعر فارسی ظهور و بروز می‌یابد که با عنوان شعر دهه هفتاد شناخته می‌شود. شعر دهه هفتاد با عبور از سنت شعر فارسی و مبانی زیبایی‌شناسی شعر نیمایی و سپید، نوع دیگری از نگارش و نگرش را عرضه می‌دارد و بسیاری از مؤلفه‌های آن، در نظریه‌های پست‌مدرنیستی ریشه دارد. یکی از این شاخصه‌ها، چندصدایی است که به‌عنوان یک شگرد پرکاربرد در شعر دهه هفتاد شناخته می‌شود. چندصدایی اصطلاحی در نقد ادبی معاصر است که ریشه در نظریه منطق مکالمه میخائیل باختین دارد. باختین با التفات به رمان‌های داستایوسکی، مکالمه محوری این آثار را به‌عنوان یک وجه هنری و زیبایی‌شناختی مورد توجه قرارداد.

اندیشمندان و نظریه‌پردازان پست‌مدرن، به بسط و گسترش نظریه منطق مکالمه پرداختند و زیرعنوان چندصدایی، این رویکرد را به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی نیز تسری دادند. چندصدایی در حوزه نقد ادبی نیز غالباً به دیدگاه‌های باختین و نظریه‌پردازان پست‌مدرن، مانند بارت و لیوتار و فوکو معطوف است که به تعدد آوا و امکان حضور صداها، مختلف در متن ادبی و اثر هنری نظر دارد. چندصدایی مورد نظر پست‌مدرنیست‌ها، با مؤلفه‌های دیگری چون نفی تسلط راوی دانای کل بر متن، نفی توالی زمان خطی در متن، نفی نخبه‌گرایی، توجه به آواهای حاشیه‌ای و مرکزگریزی نیز پیوند می‌یابد. شاعرانی که زیرمجموعه شعر دهه هفتاد قرار می‌گیرند، به‌ویژه باباچاهی و براهنی که پایه‌گذاران این جریان شعری به شمار می‌روند، ضمن به‌کارگیری برخی از شاخصه‌های پست‌مدرنیستی در اشعار خود، توجه ویژه‌ای به چندصدایی نشان دادند. تلاش آن‌ها برای خلق شعر چندصدایی، منجر به سرایش شعرهایی شده است که در غالب آن‌ها، چند شخصیت یا راوی هم‌زمان حضور دارند و یا موضوعات و مضامین مختلفی در یک متن کنار هم قرار می‌گیرند.

در این پژوهش، ضمن تعریف و تبیین پست‌مدرنیسم به‌عنوان یک نحله فکری و یک مکتب ادبی، مبانی و جلوه‌های چندصدایی در پست‌مدرنیسم واکاوی و تحلیل می‌شود. در بخش تحلیلی نیز با اتکا به اشعار علی باباچاهی و رضا براهنی، شیوه اجرای چندصدایی و بازتاب و پیامدهای آن در اشعار این دو شاعر مورد بررسی قرار گیرد. در مجموع تلاش می‌شود تا به این پرسش اساسی پاسخ داده شود که چندصدایی مورد نظر پست‌مدرنیست‌ها در شعر علی باباچاهی و رضا براهنی چگونه اجرا شده و چه نتایج و پیامدهایی به دنبال دارد؟

بررسی پیشینه پژوهش حاکی از این است که تاکنون اثر مستقلی با این عنوان به رشته تحریر در نیامده است. لذا نگارنده در پژوهش حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای انجام شده است به دنبال بررسی مسئله چندصدایی در اشعار باباچاهی و رضا براهنی و تطبیق آن با مقوله تشبیه در هنرهای تجسمی معاصر است.

## نتیجه‌گیری

شعر دهه هفتاد با مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی سامان می‌یابد که بیشتر این مؤلفه‌ها را از نظریه‌های پست‌مدرنیستی اخذ کرده است. یکی از این شاخصه‌ها، چندصدایی است که به تکرار آواها و امکان حضور صداها در متن ادبی معطوف است. علی باباچاهی و رضا براهنی دو چهره شاخص شعر دهه هفتاد و از پیشگامان این نوع شعر، در اشعار خود تلاش کرده‌اند تا جلوه‌های مختلفی از چندصدایی را در شعر خود به کار گیرند. یکی از این شیوه‌ها، حضور آشکار چند شخصیت یا چند راوی در یک شعر است که هر یک از زبان و زاویه دید خود سخن می‌گویند و شاعر نیز تلاش می‌کند تا با القای تمایزات زبانی، به آن‌ها تشخص ببخشد. در پاره‌ای شعرهای براهنی و باباچاهی، شاعر با استفاده از درهم‌آمیزی زمان‌های گذشته، حال و آینده، صداها را مختلفی به شعر می‌آیند. در این شعرها که بر نفی توالی زمانی و روایت خطی بنا شده است، آواها با اتکا به مؤلفه‌های زمانی شناخته می‌شوند. همچنین در برخی شعرها، عناصر و مؤلفه‌هایی چون تنوع وزن (از امتزاج اوزان مختلف عروضی و بی‌وزنی) و تفاوت لحن و شیوه بیان، زمینه برای شکل‌گیری شعر چندصدایی فراهم می‌شود. چندصدایی در شعر باباچاهی و براهنی، گاه با رویکردی تاریخی شکل می‌گیرد، به این معنی که شاعر با استفاده از ویژگی‌های زبانی و معنایی، امکان حضور صداها را هم‌زمان را فراهم می‌آورد. نمونه آشکار چنین رویکردی را می‌توان در اشعار افشانشی باباچاهی یافت. در این شعرها، ارجاعات پیدا و پنهانی به متون ادبی کلاسیک به چشم می‌خورد که در هم‌نشینی با زبان و بیان امروزی، بستر گفت‌وگو با سنت ادبی را فراهم می‌آورند. یکی دیگر از زمینه‌های بروز چندصدایی که بیشتر در شعرهای باباچاهی دیده می‌شود، حضور راوی یا شخصیت شیزوفرنیک که ذهن پراکنده‌ای دارد و نمی‌تواند به نوشتار و نگارش خود نظام دهد. در چنین شعری به نظر می‌رسد که چند نفر سخن می‌گویند یا یک نفر، در حالات روانی مختلف و گاه متضاد حرف می‌زند. در هنرهای تجسمی معاصر مانند نقاشی و گرافیک نیز استفاده از تشبیه به شکل تکیه بر نمادها به وفور دیده می‌شود.

## فهرست منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۳). مدرنیته و اندیشه انتقادی. چاپ اول، تهران: مرکز.
- (۱۳۷۴). حقیقت و زیبایی (درس‌های فلسفه هنر). چاپ اول، تهران: مرکز.
- (۱۳۷۵). ساختار و تأویل متن. جلد دوم، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- باباچاهی، علی. (۱۳۷۹). عقل عذابم می‌دهد. چاپ اول، تهران: همراه.
- (۱۳۸۱). قیافه‌ام که خیلی مشکوک است. چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
- (۱۳۸۳). رفته بودم به صید نهنگ. چاپ اول، مشهد، پاندا.
- (۱۳۸۸). فقط از پریان دریایی زخم‌زبان نمی‌خورد. چاپ اول، شیراز: نوید شیراز.
- (۱۳۹۵). آدم‌ها در غروب اسم ندارند. تهران: نگاه.

- بارت، رولان. (۱۳۷۸). از کار به متن. ترجمه: صفیه روحی، چاپ‌شده در سرگشتگی نشانه‌ها (نمونه‌هایی از نقد پسامدرن)، به کوششمانی حقیقی، چاپ دوم، تهران: مرکز.
- (۱۳۸۱). از اثر به متن. ترجمه: پیام یزدان‌جو، برگرفته از کتاب به‌سوی پسامدرن (مجموعه مقالات)، تدوین و ترجمه: پیام یزدان‌جو، تهران: مرکز.
- براهنی، رضا. (۱۳۷۴). خطاب به پروانه‌ها و چرا من دیگر شاعر نیمایی نیستم؟. چاپ اول، تهران: مرکز.
- بودریار، ژان. (۱۳۸۱). وانمودها و داستان علمی - تخیلی. ترجمه: پیام یزدان‌جو، برگرفته از کتاب به‌سوی پسامدرن (مجموعه مقالات)، تدوین و ترجمه: پیام یزدان‌جو، چاپ اول، تهران: مرکز.
- پوینده، محمدجعفر. (۱۳۸۰). جامعه‌شناسی ادبیات (مجموعه مقالات). تهران: چشمه.
- خواجات، بهزاد. (۱۳۸۱). منازعه در پیراهن (بازخوانی شعر دهه هفتاد). چاپ اول، اهواز: رسش.
- سلدن، امان و ویدوسون، پیتر. (۱۳۸۴). راهنمای نظریه ادبی معاصر. ترجمه: عباس مخبر، چاپ پنجم، تهران: طرح نو.
- کریستوا، ژولیا. (۱۳۸۱). کلام، مکالمه و رمان. ترجمه: پیام یزدان‌جو، برگرفته از کتاب به‌سوی پسامدرن (مجموعه مقالات)، چاپ اول، تهران: مرکز.
- لوطیج، محمد. (۱۳۹۲). هفتاد گل زرد (علی باباچاهی در وضعیت دیگر). چاپ اول، تهران: سرزمین اهورایی.
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۱). تاریخ جهانی و تفاوت‌های فرهنگی. ترجمه: پیام یزدان‌جو، برگرفته از کتاب به‌سوی پسامدرن (مجموعه مقالات)، تدوین و ترجمه: پیام یزدان‌جو، چاپ اول، تهران: مرکز، صص ۲۱۳-۲۳۲.
- لیوتار، ژان فرانسوا. (۱۳۸۰). وضعیت پست‌مدرن (گزارشی درباره دانش). ترجمه: حسینعلی نوذری، چاپ اول، تهران: گام نو.
- میرزایی، مهرداد. (۱۳۹۲). «گسست - پیوست‌های زیبایی‌شناختی در شعر دهه هفتاد». مجله گردشگران فرهنگی، سال چهارم، شماره ۹، مهرماه ۹۲، ۱۵-۱۱.
- هارلند، ریچارد. (۱۳۸۰). ابر ساخت‌گرایی (فلسفه ساخت‌گرایی و پساساختارگرایی). ترجمه: فرزانه سجودی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی.
- هولاب، رابرت. (۱۳۷۵). یورگن هابرماس نقد در حوزه عمومی. ترجمه: حسن بشیریه، تهران: نی.
- هیوز، ه. استوارت. (۱۳۷۶). هجرت اندیشه اجتماعی. ترجمه: عزت‌الله فولادوند، تهران: طرح نو.